



کلیدواژه‌ها: تکنولوژی آموزشی، کلاس درس، یاددهی-یادگیری

است. سواد دیجیتالی به قدری اهمیت دارد که می‌تواند در ظهور ظرفیت‌های پنهان هر دانش‌آموزی مضمّن باشد. حتی سبب شود حواس بیشتری از دانش‌آموز به کار افتد و در نهایت یادگیری بهتری اتفاق بیفتد. در واقع، سواد دیجیتالی کاتالیزوری است که شیوه‌های تفکر درباره یاددهی - یادگیری را فعال می‌کند و باعث تغییراتی شگرف در روند آموزش می‌شود. بنابراین، برای پاسخ‌گویی به نیازهای فراگیرندگان ضروری است به دنبال راهکارهایی برای تلفیق سواد دیجیتالی با آموزش باشیم.

تعیین فعالیت‌های مناسب برای دانش‌آموزان در زمینه تولید اطلاعات می‌تواند یکی از ابزارهای تلفیق به شمار آید و باعث پرورش خلاقیت آنان نیز بشود؛ به شرطی که ابزارهای تولید و پردازش اطلاعات به شکل مناسبی به آنان معرفی شوند. واقعیت‌های زندگی امروز، تحولات به‌وجود آمده در شیوه‌های تعامل و ارتباطات، و توسعه فزاینده خدمات و مهارت‌های حرفه‌ای ایجاب می‌کند که دانش‌آموز امروزی ضمن کسب دانش، دامنه ارتباط خود را با دیگران از طریق همین فناوری‌ها توسعه دهد. او باید بتواند در فعالیت‌های گروهی به شکل مؤثر شرکت کند، تفکر

منظور از «فناوری‌های آموزشی»، به شکل ساده، استفاده از ابزارهای ابتدایی چون «وایت‌برد» و مژیک و به‌طور گسترده استفاده از دامنه‌ای وسیع از ابزارهای نوین فناوری، دوربین‌های دیجیتالی، اسکنرها، پروژکتورهای پیشرفته و تکنیک‌های آموزشی نوین است. اما آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد، این است که چگونه می‌توان نگرانی‌های موجود در استفاده از این فناوری‌ها را برطرف کرد؟ چگونه می‌توان رابطه‌ای سالم و مفید میان فناوری‌ها و آموزش به وجود آورد تا با اطمینان بتوان نام فناوری آموزشی را بر آن نهاد؟ آیا صرف فراهم کردن امکاناتی از این قبیل می‌تواند دلیل بر دستیابی ما به فناوری آموزشی باشد؟

این فرایند نیازمند مهارت‌هایی است که از طریق آموزش به معلمان و کارکنان اداری و در نهایت به دانش‌آموزان امکان‌پذیر است. متأسفانه با وجود گذشت سال‌های متمادی از ورود این فناوری‌ها به مدرسه‌های کشور، هنوز کمیت برای ما در اولویت قرار دارد و زورش به کیفیت می‌رسد.

از جمله مهارت‌هایی که معلمان و دانش‌آموزان باید به آن مجهز باشند، «سواد دیجیتالی» (ICT)

زمانی می توان  
ادعا کرد که  
فناوری را در  
آموزش به کار  
گرفته ایم که  
اثرات سازنده آن  
به وضوح در روند  
یاددهی - یادگیری  
مشاهده شود

### نتیجه گیری

باید بپذیریم که با توسعه فناوری اطلاعات، اگر معلمان بر ابزارهای نوین فناوری تسلط کافی نداشته باشند، اقتدارشان نزد دانش آموزان کاهش می یابد. چاره کار این است که آنان همانند مدیران کاربرد و استفاده از فناوری در مقابل دانش آموزان ظاهر شوند و این مستلزم تجهیز آنان به دانش روز سواد دیجیتالی است. باید بپذیریم که امروزه یادگیری چیزی به جز تغییر در طرز فکر و مهارت های ذهنی - حرکتی دانش آموزان نیست. آیا می توان گفت روش های سنتی تدریس برای ایجاد چنین تغییری کافی هستند؟!

فناوری های جدید به طور کامل جهان پیرامون، روش های یادگیری و حتی چگونه زیستن ما را تغییر داده اند. آن ها منبعی برای تولید دانش، بستری برای انتقال محتوا و ابزاری برای تعامل به شمار می روند. در کلاسی که رایانه و ابزارهای دیجیتالی وجود دارند، اما دانش آموزان به اینترنت دسترسی ندارند، در واقع ارتباطشان با خارج از محیط مدرسه قطع شده است. دانش آموزان یک شهر، استان، کشور و حتی دنیا می توانند بحث های خود را از طریق ویدیو کنفرانس با هم تیان خود به اشتراک بگذارند و با استفاده از تجربیات و نظرات آنان، یادگیری بهتری را رقم بزنند. این تجربیات مداوم و مستمر می تواند بستری برای رشد و توسعه مهارت های فردی - اجتماعی آنان باشد و سبب افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان شود.

قابلیت های سواد دیجیتالی به گونه ای است که هر دانش آموز با هر میزان توانایی ذهنی می تواند از آن استفاده کند. زیرا فعالیت های یادگیری برخلاف سابق دیگر به صورت خشک و یکسویه نیستند، بلکه به شکلی کاملاً جذاب، تعاملی و لذت بخش ارائه می شوند. به اعتقاد نگرا پونته نیز: «مهم این نیست که دانش آموزان توانایی یادگیری کمی دارند، بلکه این محیط است که باید قابلیت های آموزشی بیشتری داشته باشد و رایانه ها این تغییرات را ایجاد می کنند.»

با این تفاسیر آیا زمان آن فرا نرسیده است که در تصمیمات اجرایی مان تجدیدنظری کنیم و به جای پرکردن مدرسه ها از ابزارهای فناوری و توجه به کمیت ها، پا را فراتر نهیم و با بالا بردن سطح سواد دیجیتالی کارکنان آموزشی و دانش آموزان، کیفیت را سرلوحه کار خود قرار دهیم؟

انتقادی داشته باشد و راه حل های مناسبی را انتخاب کند. این ها همه در سایه سواد دیجیتالی به راحتی امکان پذیرند.

امروزه در محیط های آموزشی کشور، ما بیشتر از آنکه به سخت افزار نیازمند باشیم، نیازمند پشتیبانی های نرم افزاری هستیم. شاید شما هم مدرسه هایی را دیده اید که چند کلاس مجهز به پروژکتور دارند، اما رایانه مناسب و قابل استفاده ندارند. مدت ها است پروژکتورها به سقف آویزانند و کلاس نام «نیمه هوشمند» را با خود یدک می کشد، اما در واقع مصداق بارز فقر آموزشی و فقدان سواد دیجیتالی است. به راستی، آیا نوآوری با تقلید صرف امکان پذیر است؟ بسنده کردن به تغییرات ظاهری و پوسته ای هیچ گاه نمی تواند روند آموزش را بهبود بخشد.

ما برای توفیق بیشتر در این زمینه نیازمند ابتکار و جوششیم. اگر می خواهیم یادگیری مادام العمر داشته باشیم، باید قبل از مدرسه ها خودمان را تجهیز کنیم. زیرا در این صورت هر کدام از ما - معلم یا دانش آموز - می توانیم با توجه به نیازها و توانایی های خود از این فرصت ها بهره ببریم و به ارتقای علمی خود بیندیشیم. واقعیت این است ما در دوره ای به سر می بریم که معلمان باید با شیوه های سنتی تدریس خداحافظی کنند و بپذیرند که تغییراتی شگرف در نقش آن ها و دانش آموزانشان رخ داده است که با فناوری نوین ارتباطی تنگاتنگ دارد.

اما نکته مهم دیگری که در این زمینه مطرح است، نحوه مواجهه آموزش و پرورش با توسعه فناوری اطلاعات است. آیا آموزش و پرورش توانسته است زمینه های را فراهم کند که بضاعت موجود در جهت ارتقای سطح مهارتی معلمان در زمینه کاربرد فناوری های نوین به کار گرفته شود؟ این سؤالی است که با وجود تلاش های صورت گرفته، هنوز پاسخ آن در حاله ای از ابهام قرار دارد!

زمانی می توان ادعا کرد که فناوری را در آموزش به کار گرفته ایم که اثرات سازنده آن به وضوح در روند یاددهی - یادگیری مشاهده شود. فناوری توان ایجاد همکاری های چندبعدی را داراست و معلمان و دانش آموزان را از حصار فردی خارج می کند. آن ها را به دنیای پیرامونشان پیوند می دهد و در گسترده ای از تفکرات انتقادی درگیر می سازد. به نحوی که هر کدام از آن ها می توانند با فهمی درست از فناوری به طراحی و تولید فناوری جدیدتری بپردازند و به بهترین راه حل ها دست یابند. این هدف «تکنولوژی آموزشی» است.